

نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه

(با تأکید بر اسناد آرشیو ملی ایران)

لیلا مرادعلیان

چکیده

این پژوهش می‌کوشد که نهاد وقف و کارکرد آن را در دوره سلطنت ناصرالدین شاه در ایران بررسی کند. وقف از کارهای پسندیده و نیکویی است که از دیرباز و پیش از ظهور اسلام در جوامع بشری متداول بوده است. تاریخ اوقاف در ایران پر از وقایع و اتفاقاتی است که نشان می‌دهد چگونه سنت وقف به صورت یک نظام اجتماعی و تشکیلاتی تداوم و گسترش یافت. این نظام ایفاگر نقش‌ها و وظایف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی بود و از مظاهر پیشرفت و گسترش رفاه عمومی جامعه به‌شمار می‌آمد.

در این پژوهش با روش تحقیق تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل سعی شده به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که نهاد وقف، کارکردها و مصارف آن در عصر قاجار به خصوص در دوره ناصری چگونه بوده است؟ بررسی ۶۶ سند و وقف‌نامه دوره قاجار که از آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی استخراج شده، نشانگر آن است که نزدیک به ۶۵ درصد این اسناد و وقف‌نامه‌ها مربوط به دوره ناصری و با مضامین مذهبی است.

کلیدواژه‌ها

وقف؛ عام‌المنفعه؛ قاجار؛ ناصرالدین شاه؛ اسناد.

نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه

(با تأکید بر اسناد آرشیو ملی ایران)

لیلا مرادعلیان^۱

مقدمه

وقف در تمامی ادیان به اشکال مختلفی وجود دارد. دین مبین اسلام مردم را به کمک برای نشر دین و تأمین نیازهای معیشتی طبقه کم‌درآمد ترغیب می‌کند و آن را وسیله‌ای برای کسب رضای خداوند در رسیدن به کمال و جانشینی وی در روی زمین می‌داند. هر چند در طول تاریخ بعد از اسلام وقف‌های بسیاری در ایران صورت گرفته، وقوع جنگ‌ها و تغییر حکومت‌ها در موقوفات اختلال بسیاری ایجاد کرده است. در نتیجه آنچه در حال حاضر از وقف و موقوفات وجود دارد، عمدتاً متعلق به دوره قاجاریه و بعد از آن است.

این موقوفات طی زمان تغییر و تحولاتی یافته، حتی بعضی از آن‌ها از وقف خارج شده‌اند. به‌طور کلی، همواره موقوفات ایران از نظر نوع و چگونگی توزیع فضایی تحت تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی و محدوده فیزیکی نواحی و شهرها بوده‌اند.

درباره وقف بررسی‌های متعددی در زمینه‌های فقهی، حقوقی، قضایی، اعتقادی و همچنین پژوهش‌های اندکی در خصوص ویژگی‌های آن در شهرها و روستاها شده است و پژوهندگان به ابعاد مختلف این امر مهم پرداخته‌اند ولی به‌نظر می‌رسد این تحقیقات و تتبعات هنوز کفایت امر نکرده و لازم است که به این موضوع مهم بیشتر پرداخته شود تا این مسئله خوب در جامعه شناخته شود. به‌همین سبب، در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

نگاهی کلی به اوضاع وقف در دوره قاجار

توسعه نهاد وقف در این دوره به چند عامل بستگی داشت: اقتضائات مدنی-اجتماعی،

۱. کارشناس ارشد تاریخ، کارشناس

اداره کل خدمات آرشیوی.

le_rasekh@yahoo.com

تلاش‌های نهادهای دینی و هویت و تشخیص حاکمیت (انصاف‌پور، ۱۳۵۵، ص ۳۳). بخشی از وضعیت نظام وقف در دوره قاجار، از محاکم قضایی متأثر بود؛ زیرا وقف، خود نظامی قانونمند و دارای احکام حقوقی خاص است. وزارت عدلیه یکی از مراجع حافظ این نظام و حقوق بود. تعدی و تجاوز به موقوفات و ارجاع شکایات وقف‌کنندگان از موقوفه‌خواران به عدلیه و بررسی آن‌ها و صدور حکم، جزئی از وظایف وزارت عدلیه بود. بنابراین، وضعیت نظام دادرسی و قضایی کشور، تأثیر تنگاتنگی بر وضعیت اوقاف کشور داشته است. دادرسی و رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفر دادن جنایت‌کاران و دزدان و به‌طور کلی رسیدگی به جرایم در ایران، یا طبق احکام و قوانین شرع اسلام انجام می‌گرفت و یا بر وفق عرف و سنت (دیوانخانه یا عدالت‌خانه) (آدمیت، ۲۵۳۶، ص ۴۹۸).

دوگانگی دستگاه قضایی کشور، یادگاری از دوره صفوی بود و تا سال ۱۳۲۸ ق. که نخستین قانون مدنی راجع به قوه قضایی کشور به تصویب رسید، دست‌نخورده باقی مانده بود. طبقه روحانی، فقها و مجتهدان جامع‌الشرایط، مجری احکام و قوانین شرع بودند (الگار، ۱۳۶۹، صص ۳۶-۳۷).

عرف و سنت که بیشتر در امور اخلاقی و جنایی ملاک قضاوت و رسیدگی و کیفر دادن خلاف‌کاران و مجرمان بود، از دیرباز در ایران، سلاح برنده‌ای در دست هیئت حاکمه بوده و هیچ‌گاه اصول و مقررات مدون و لازم‌الاجرا برای حکام ولایات وجود نداشته و چگونگی صدور حکم و طرز اجرای آن، تابع سلیقه و میل و حب و بغض مقامات دولتی بوده است. دعاوی حقوقی در محاکم شرع نزد حاکم شرع حل‌وفصل می‌شد که با صلاح‌دید مقامات دولتی برگزیده می‌شدند (مستوفی، ۱۳۲۴، صص ۲۵۲-۲۵۵).

ناصرالدین‌شاه قاجار چهارمین شاه از دودمان قاجار ایران بود که طولانی‌ترین دوره پادشاهی را در میان دودمان قاجار داشت (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق. / ۱۲۲۷-۱۲۷۵ ش.). این دوران مقارن با تحولات بسیار شگرفی در جهان خارج از ایران بود. تحولاتی که تأثیرات مثبت و منفی خود را بر جامعه و حکومت ایران گذاشت.

در عصر ناصری، موقوفات روبه‌فزونی نهاد. این امر در گزارش اروپائینی که در این دوره از ایران دیدن کرده‌اند نیز دیده می‌شود. هانری رنه دالمانی که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه از ایران دیدن کرده گفته که املاک بسیاری وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه شده و حتی کاروانسراها و یا تمام یک بازار وقف شده است. عایدات املاک وقفی زیاد است، مخصوصاً عایدات موقوفات حضرت رضا (ع) بسیار مهم هستند. او درآمد این موقوفات را در سراسر کشور ۶۰ هزار تومان نقد و ۱۰ هزار خروار غله برشمرده و اشاره کرده است که با وجود اینکه املاک موقوفه از دادن مالیات معاف بودند، شاه به‌عنوان حق‌التولیه سالی هزار

تومان از مشهد دریافت می‌کرد (رنه دالمانی، ۱۳۵۵، صص ۷۲-۷۳).
علی‌ای‌حال، وضع اوقاف در دوره قاجاریه درهم و آشفته بود. در این دوران شاه، عناصر حکومتی و اشراف و حتی برخی روحانیون در موقوفات دست‌اندازی می‌کردند (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۶۵).

تشکیل وزارتخانه‌ها در دوره قاجار و جایگاه وقف

هم‌چنان که می‌دانیم دولت با مفهوم امروزی که در رژیم‌های دموکراسی پارلمانی وجود دارد، در دوره قاجار قبل از مشروطه وجود نداشت. اگر تشکیلاتی هم در این دوره شکل گرفت فقط برای حفظ ظاهر و در حکم سرپوشی بود که بر روش سلطنت استبدادی مطلق پادشاهان قاجار گذاشته می‌شد. نخستین بار در زمان سلطنت فتح‌علی‌شاه این کار مدنظر قرار گرفت.

قبل از استقرار مشروطه و شکل‌گیری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در مجلس شورای ملی وزرای معارف را شخص شاه انتخاب می‌کرد. وزیر اوقاف نیز به تشخیص و صلاحدید خود، افرادی را به‌عنوان نماینده خویش در ولایات کشور انتخاب می‌کرد و تقریباً همیشه این سمت در دست افراد روحانی قرار داشت (کرزن، ۱۳۴۷، ص ۱۷۵). در این دوران، حکومت مداخله اندکی در اداره اوقاف داشت، اما اقدامات مختلفی به‌عمل آمد که در نظر علما، نشان‌دهنده مقصد نهایی دولت در جهت نظارت بر درآمد اوقاف بود (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۹۴). در سال ۱۲۷۱ ق. وزارت معارف و اوقاف تأسیس (لمبتون، ۱۳۸۸، ص ۹۴) و مقرر شد که متصدیان امور اوقاف نباید هیچ اقدامی بدون اطلاع او یا مباشر وی به‌عمل آورند.

در سال ۱۲۷۴ ق. ناصرالدین‌شاه، امور مملکتی را بین شش وزارتخانه تقسیم کرد که یکی از آن‌ها وظایف و اوقاف بود. تعداد وزارتخانه‌ها پیوسته در حال تغییر بود، به‌طوری که تا سال ۱۲۸۳ ق. به هفت و در زمان صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار، تعداد وزارتخانه‌ها به نه مورد افزایش یافت. وی که هم‌زمان با منصب صدارت، تصدی وزارت عدلیه و اوقاف را به عهده داشت، فرمانی در جهت اصلاح و بهبود اوقاف صادر کرد (۱۲۸۸ ق) (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸). در ۱۲۸۹ ق. وزارت وظایف و اوقاف، به وزارت فواید عامه تغییر نام داد و حسنعلی‌خان گروسی، سفیر استانبول به سمت وزارت آن رسید (مستوفی، ۱۳۲۴، ج ۲ صص ۱۲۱-۱۲۴). سپهسالار متولیان را مکلف کرد که از آن پس با اطلاع حاکمان، ثبت صحیح و جمع و خرج را برای وزارت اوقاف بفرستند (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

نتیجه سفر اول ناصرالدین‌شاه به اروپا این بود که در بازگشت به ایران بار دیگر وزارتخانه‌های موجود را در یکدیگر ادغام و آن‌ها را به شش وزارتخانه مبدل کرد و در سال ۱۲۹۱ ق. ظاهراً به وزیران خود اختیارات و مسئولیت داد (شمیم، ۱۳۷۸، صص ۳۲۲-۳۲۳). در بازنگری تقسیم کار وزارتخانه که توسط ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۹ ق. صورت گرفت،



بار دیگر این وزارتخانه با عنوان وزارتخانه معارف و اوقاف و پست، یکی از سیزده وزارتخانه‌ای بود که وزیر آن، مدیریت داخلی مجلس وزرا را نیز بر عهده داشت. به‌طور کلی، وضعیت موقوفات کشور تا دوره مظفرالدین‌شاه و انقلاب مشروطه، کم‌وبیش به شیوه پیشین اداره می‌شد (شمیم ۱۳۷۸، صص ۳۲۲-۳۲۳).

یک‌سال پس از صدور فرمان، در اواخر سال ۱۲۹۹ق. ناصرالدین‌شاه در تقسیم کار بین وزراء تجدیدنظر کرد و تعداد وزارتخانه‌های مسئول به سیزده رسید که یکی از آن‌ها وزارت وظایف و اوقاف و پست بود که وزیر این وزارتخانه مدیریت داخلی مجلس وزراء را نیز داشت. به‌ویژه وزیران مکلف بودند در ساعات معین از روز تعیین‌شده در هر هفته گزارش اقدامات خود را به شاه بدهند و روزهای پنجشنبه هر هفته مخصوص احضار وزرا و شاهزادگان بود (شمیم، ۱۳۷۸، ص ۳۲۴).

جایگاه وقف در وزارتخانه‌ها

بنابراین همچنان که اشاره شد تغییر پیوسته نظام تشکیلاتی کشور یکی از ویژگی‌های اداری دوره ناصرالدین‌شاه بود. در سال ۱۲۷۴ق. که ناصرالدین‌شاه برای جلوگیری از تمرکز قدرت و اختیارات، امور مملکتی را بین شش وزارتخانه تقسیم کرد، یکی از آن‌ها وزیر وظایف و اوقاف بود. نظارت بر مستمری‌ها و درآمد و عایدات اوقاف، از وظایف این وزارتخانه بود.

در سال ۱۲۷۹ق. روزنامه دولت علیه ایران اعلام کرد تمام کسانی که متولی اوقاف‌اند چه در مناطق نزدیک به پایتخت و چه در نواحی دور از آن باید صورتحساب‌هایشان را که به تأیید مجتهدی رسیده است به وزارت وظایف و اوقاف ارسال دارند. هرکس از انجام این کار خودداری کند از مقام خود برکنار خواهد شد (المبتون، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

میرزا حسین‌خان سپهسالار که هم‌زمان با منصب صدارت، تصدی وزارت عدلیه و اوقاف را به‌عهده داشت، در سال ۱۲۸۸ق. فرمانی در جهت اصلاح و بهبود اوقاف صادر کرد. وی در کتابچه گزارش‌های خود به ناصرالدین‌شاه، ضمن شرح حیف و میل موقوفات و عواید آن توسط موقوفه‌خواران و متولیان، عمل کرد آن‌ها را زیر سؤال برد: «باید معلوم گردد آیا متولی املاک موقوفه، عایدات آنها را صرف خرج مقرر می‌کند یا صرف معاش خود می‌نماید؟» میرزا حسین‌خان سپهسالار متولیان را مکلف کرد که از آن پس با اطلاع حاکمان، ثبت صحیح و جمع و خرج موقوفات را برای وزارت اوقاف بفرستند (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶).

یکی دیگر از کوشش‌هایی که در مورد شناسایی املاک و موقوفات در دوره ناصرالدین‌شاه آغاز و به علت‌های خاص اجتماعی و دینی فایده‌ای از آن حاصل نشد، مسئله ثبت املاک صاحبان زمین در کل کشور، به‌ویژه در شهر تهران بود. زیرا در گذشته آن‌گونه که باید

ضرورت این امر اجتماعی و اقتصادی محسوس نبود اما پس از ایجاد دارالخلافه و ارزش‌یابی زمین‌ها، مسئله مالکیت اراضی مفهوم جدید پیدا کرد. دولت برای گرفتن مالیات و پایان دادن به اختلافات مالکان، به روشن شدن این امر نه تنها در تهران بلکه در کل کشور علاقه‌مند شده بود. از این رو محمد حسن خان اعتمادالسلطنه با بررسی این امر در کشورهای اروپایی و ترجمه قوانین آن‌ها کتابچه‌ای در مورد دارالخلافه تهیه کرد. گرچه این کتابچه به امضای شاه نرسید اما راه را برای آیندگان به‌ویژه زمین‌داران دوره پهلوی اول همواره ساخت (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۲۸-۲۹).

ویژگی‌های اجتماعی وقف

مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی وقف از دید تاریخی عبارتند از:

۱. طبقاتی نبودن: از بارزترین ویژگی‌های اجتماعی وقف طبقاتی نبودن آن است، عمل به این سنت همواره به همه قشرهای جامعه تعلق داشته و در انحصار طبقه خاصی نبوده است (امام جمعه زاده، ۱۳۷۹، صص ۷۲-۷۳).
 ۲. هم‌بستگی اجتماعی: مسئولیت‌های متقابل و هم‌بستگی اجتماعی که به منظور رفع نیازهای ضروری طبقات محروم و صاحبان نیازهای خاص (یتیمان، زنان بیوه، پیران، آوارگان، قربانیان حوادث) و نیز ثروتمندان رخ داده است.
 ۳. تحقق عدالت اجتماعی: نظام وقف از سازوکارهای عدالت اجتماعی و وسیله‌ای صلح‌آمیز به منظور توزیع مجدد درآمد، بدون هرگونه اجبار و مداخله قدرت سیاسی به‌شمار می‌آید. وقف رویکردی است که بدون هرگونه اختلاف، درگیری و نارضایتی، انتقال ثروت را در پی دارد و ترمزی بر تکاثر و جهشی به سوی رهایی بینوایان از فقر به‌شمار می‌آید.
 ۴. سهیم بودن در ساختار نظام تأمین اجتماعی: وقف متناسب با شرایط زمانی حرکت می‌کرد و پاسخگوی نیازهای همان دوره نیز بود. در وقف تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی و امور عام‌المنفعه مطرح است. که مسائل بهداشتی، آموزش، خوراک و پوشاک، مسکن و غیره را شامل می‌شود (طباطبائیان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷).
- از نظر اقتصادی نیز در اوایل شکل‌گیری اوقاف فقط مستغلات ساخته شده جزو موقوفات بودند، اما به مرور زمان و در اثر بروز تحولات اجتماعی و سیاسی در جوامع و تغییر حوزه‌های مالکیتی از دولتی به فردی، زمین‌های کشاورزی نیز داخل حوزه موقوفات شدند. علاوه بر این، مستغلات زیادی از قبیل مغازه‌ها و اماکن تجاری، ابزارهای مختلف تولیدی مانند آسیاب‌ها، حمام‌ها عمومی، قهوه‌خانه‌ها، پول‌های نقد و مستمری‌های مقرر دولتی، جزو موقوفات شدند (سلیمی فر، ۱۳۷۲، صص ۱۶ و ۱۸).

طبقه اجتماعی واقفان

اوقاف همواره، در زندگی شهری نقش مهمی ایفا کرده چنان که گسترش این نهاد تأثیری شگرف بر پیشرفت و آبادانی شهرها داشته است. از دیرباز اندیشه وقف اموال، املاک و صرف درآمد حاصل از آن در امور اجتماعی و خیرخواهانه مطرح بوده که این موضوع امری کاملاً شناخته شده است. همچنین نهاد وقف باعث به وجود آمدن مظاهر فرهنگی و تمدنی چون مسجدها، تکیه‌ها، مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و غیره در شهرهای اسلامی شده است.

برای شناخت و درک بهتر از جایگاه وقف در طول تاریخ، باید طبقه واقفان شناسایی شده و جایگاه اجتماعی آنان مشخص شود؛ زیرا اگر واقفان به طبقه اجتماعی خاصی متعلق باشند و دیگر قشرها و طبقات مختلف مردمی به اقتضای وضعیت اقتصادی‌شان در این امر شرکت نکنند این عمل اجتماعی کاملاً یک‌جانبه و تک‌بعدی می‌شود و بر روند شکل‌گیری موقوفات تأثیرگذار خواهد بود.

در ابتدا ضروری است که طبقه اجتماعی تعریف شود. جامعه‌شناسان بر این باور هستند که اصطلاح طبقه به افرادی با منبع درآمد مشابه، میزان درآمد هم‌سان و شیوه زندگی هم‌گون اطلاق می‌شود (آبرکرامی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۷). نویسنده کتاب «ایران بین دو انقلاب» مردم جامعه ایران را در اوائل قرن نوزدهم میلادی -مقارن با سلسله قاجاریه- به چهار طبقه عمده تقسیم کرده است:

طبقه اول نخبگان مرکزی و محلی بودند که عبارتند از سلسله قاجار، شاهزادگان، درباریان، تیولداران و صاحبان مناصب و مقامات که لقب‌هایی همچون السلطنه، الدوله، الملک و غیره را در پسوند اسم خود داشتند؛ همچنین اندک مقامات مذهبی منسوب به دولت مانند امام جمعه، شیخ‌السلام و قضات که در این طبقه قرار می‌گرفتند.

طبقه دوم، طبقه متوسط، که عبارت بودند از تجار، کسبه، و بازاریان. این طبقه پیوند مستحکمی با طبقه روحانیان (اعم از علما، مجتهدان و واعظان) داشت.

سومین طبقه شامل صنعتگران، کارگران مزدور و کارگران ساختمانی هستند و طبقه چهارم هم شامل رعایا، ایلات و دهقانان است (آبراهامیان، ۱۳۸۸، صص ۴۳-۴۴).

اما واقفان متعلق به هر بقیه‌ای که باشند انگیزه‌ای از این عمل خود داشتند. انگیزه واقف برای ذخیره توشه آخرت، مسئله است که در تمامی وقف‌نامه‌ها مشترک ذکر شده است و واقفان در وقف‌نامه‌ها صریحاً انگیزه خود را از وقف اموال اندوختن ذخیره‌ای برای آخرت ذکر کرده‌اند؛ اما برخی از وقف‌نامه‌ها جهت‌گیری‌های مادی نیز داشته‌اند و مسائلی چون ترس از مصادره اموال توسط حکومت و افراد بانفوذ، نداشتن وارث و فرزند و برای استفاده و بهره‌وری



از اموال، مشکلات خانوادگی و یا نارضایتی از فرزندان و از همه مهم‌تر کسب وجه مقبولیت در جامعه و ایجاد شأن و منزلت اجتماعی برای واقف را می‌توان از جمله انگیزه‌های دیگر آنان در وقف اموال و املاکشان دانست.

از طرفی می‌توان به این نکته اشاره کرد که وقف، مانع از این می‌شد که وارثان املاک را بفروشند یا تقسیم کنند؛ زیرا متولیان حق فروش املاک را نداشتند و واقفان این امر را به‌وضوح در وقف‌نامه‌ها ذکر می‌کردند؛ حتی اغلب واقفان تولیت را به فرزندان ارشد و ذکور خود نسل‌درنسل می‌سپردند که این موضوع باعث می‌شد املاک و اموال در خاندانشان حفظ شود و از اینکه حکومت املاکشان را غصب کند در امان می‌ماندند و همچنین از این طریق می‌توانستند برای فرزندان خود درآمد کسب کنند.

با توجه به حافظه تاریخی، تمامی حاکمان در ایران، معتقد بودند که فقط وظیفه اساسی آن‌ها برقراری امنیت و جلوگیری از تجاوز دشمنان است و اگر زمانی مرکز رفاهی می‌ساختند آن را به حساب نیت نیکوکارانه و انجام کار خیرخواهانه خود تلقی می‌کردند.

میزان موقوفات در هر دوره تاریخی به‌طور مستقیم حاکی از اعتقادات مذهبی و شرایط اقتصادی مردم بوده است. در قرن سیزدهم ق. طبقه‌ای متوسط و مرفه که متشکل از تجار، بازرگانان و پیشه‌وران بود به‌وجود آمد، که نیازهای مالی مساجد، بازارها، مکتب‌ها، مدارس، تکایا و سایر موقوفات را تأمین می‌کردند. البته میزان امنیت در مسئله اوقاف نیز بی‌تأثیر نیست. چنان‌که صاحبان ملکی از مصادره دولتی می‌هراسیدند، برای حفظ ملک خود آن را وقف می‌کردند ولی در دست خود نگه می‌داشته مانند مرحوم حاجی حسن کلاهدوز که یک کاروان‌سرا وقف کرده بود و اختیار آنجا در دست ورثه‌اش بود (اتحادیه، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

در سال‌های ۱۲۶۹ق. و ۱۳۲۰ق. طبق آمار ارائه‌شده از دارالخلافه، کم‌ترین تعداد وقف در محله نسبتاً فقیرنشین چال میدان بوده است. تعداد اماکن موقوفه در عودلاجان و سنگلج نسبت به جمعیت ساکن در محله قابل‌توجه بوده است. اما بیشترین تعداد موقوفات تهران در محله بازار بود که اهالی آن بیشتر تجار و کسبه بودند و همین قضیه نشانگر رابطه نزدیک بازار با روحانیت است (اتحادیه، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲).

در این دوره بیشتر املاکی که وقف می‌شد، دکان بود. علاوه بر دکان، کاروان‌سرا، خانه، آب‌انبار و حمام نیز جزو آمار موقوفات است. در آمارهای سال‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۲۰ق.، نام اغلب واقفان و متولیان ذکر نشده و فقط در بیش از نیمی از موقوفات، موارد وقف از جمله امام‌زاده، مسجد، تکیه و مدرسه، آمده است. اغلب موارد وقف مربوط به محله‌ای خاص بود اما استثناهایی هم وجود داشت -مانند موقوفات سیدالشهدا (ع)- که در شهر پراکنده بود و مربوط به محله‌ای خاص نبود.



وقف در طبقات حکام

درباریان به دلیل جلوگیری از تخریب اماکن موقوفه، فرزندانشان را متولی می‌کردند و در این نوع موقوفات، تولیت نسل در نسل در میان آن‌ها در گردش بوده است؛ البته در بعضی موارد تولیت یا نظارت موقوفات را برعهده علمای عصر می‌گذاشتند. نکته مشابه در تمامی وقف‌نامه‌های این طبقه مسئله انقراض نسل واقف است که در آن صورت وظیفه تولیت به مجتهد جامع‌الشرایط پایتخت می‌رسید.

بیشتر وقف‌نامه‌های این طبقه، اغلب نثر ادبی فوق‌العاده‌ای دارند که بیانگر این نکته است که آن‌ها دبیران حاذقی را برای نگارش متون وقف‌نامه‌ها به کار می‌گرفتند و در بعضی موارد، سند وقف‌نامه‌ها را به دلیل گستردگی و ازدیاد املاک موقوفه به صورت یک کتابچه و یا طومار در می‌آوردند.

از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار این امر کاملاً مشهود است که وزرا با تعداد بیشتر موقوفات و با ساخت اماکنی همچون مدرسه، مسجد، حمام، تکیه، مریضخانه، قنات و کلیه بناهای عام‌المنفعه علاوه بر ایجاد موقوفات وسیع در سطح کشور باعث گسترش شهرها و توسعه و آبادانی نیز شدند؛ البته تفکرات سنتی در این طبقه هنوز دیده می‌شود و این موضوع را می‌توان از میان وقف‌نامه‌ها و مصارف آن‌ها دریافت کرد؛ زیرا مصارف گسترده‌ای چون تعزیه‌خوانی و تأسیس مسجد و مدرسه‌هایی که فقط علوم دینی تدریس می‌کنند مصداق بارز این امر است و اینکه فقط یک مدرسه به سبک جدید ساخته شده است.

دوره ناصرالدین‌شاه، دوره آشنایی با آثار و افکار روشنفکران غربی در سطح وسیعی است و بسیاری از روشنفکران طبقه حاکمه برای پیشرفت جامعه و همگام کردن آن با دولت‌های اروپایی تصمیم گرفتند اقداماتی انجام دهند؛ اما تفکرات سنتی در عقاید و افکار آنان ریشه‌ای مستحکم داشت. برای نمونه می‌توان از میرزا حسین‌خان سپهسالار نام برد. او یکی از روشنفکران عصر ناصری بود که تأثیر به‌سزایی در آشنایی شاه با تمدن جدید داشت؛ اما در نهایت مسجد-مدرسه‌ای با آموزه‌های دینی و سنتی برای طلاب علوم دینی وقف کرد. شاید اگر میرزا حسین‌خان سپهسالار به دلیل افکار و عقاید حاکم‌بر جامعه، مدرسه‌ای برای آموزش علوم جدید وقف می‌کرد نمی‌توانست جایگاهی در میان مردم پیدا کند و مورد توجه و مقبولیت آنان قرار گیرد (سیدزاده مطلق، ۱۳۹۰، صص ۵۲-۵۴).

فساد درباری در دوران قاجار تأثیرات نامطلوبی بر نهاد وقف داشت. در این شرایط، برخی متولیان از دست‌اندازی به درآمدهای موقوفات ابائی نداشتند. از این رو، گاه مداخلاتی از سوی نهادهای حکومتی برای کنترل این وضع صورت می‌گرفت. برای نمونه سپهسالار اقداماتی برای اصلاح وضعیت موجود در دوره قاجار انجام داد (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۵۷).

اگرچه روحانیان در دوره قاجار در تحولات گوناگون سیاسی کشور نقش محوری داشتند، اما دیگر مانند دوره صفویه از صاحب منصبان کشوری و درباری محسوب نمی شدند و طی چند نسل، بر سر نفوذ بیگانگان در جامعه ایران با دولت مخالف بودند (فوران، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷). هر چند در این دوران روحانیان به دو گروه تقسیم می شدند: گروهی که دارای ارتباط نزدیک با دربار بودند و حتی مشاغل دولتی داشتند مثل امام جمعه، شیخ الاسلام و قضات (ورهرام، ۱۳۶۷، ص ۱۶۵) و گروهی که دارای ارتباط با حکومت نبودند و استقلال سیاسی و مالی داشتند (زاهدی و تنکابنی، ۱۳۸۸، صص ۱۴۰-۱۴۱).

در سال های ۱۲۶۹ق. و ۱۳۲۰ق. طبق آمار ارائه شده از دارالخلافه، بیش ترین تعداد اوقاف در محله بازار قرار داشت که بیش تر اهالی آن از تجار و کسبه بودند و همین حاکی از رابطه نزدیک و بستگی بازار با روحانیان است. در غالب مواردی که نام متولیان موقوفات بازار ذکر شده است، متولیان روحانی هستند. چنان که در بازار ۴۲ باب دکان وقف مسجد شاه در دست امام جمعه و شش باب دکان وقف سید الشهدا (ع) در دست شیخ باقر پیش نماز و حمام حاجی محسن در دست میرزا ابوالحسن پیش نماز بود و تعدادی از واقفان بازار از تجار بودند و در بازار، علاوه بر دکان وقفی تعداد زیادی کاروان سرا و تیمچه در زمره اماکن وقفی وجود داشت که میزان موقوفات بازار را نسبت به موقوفه های سایر محله ها افزایش می داد (اتحادیه، ۱۳۷۷، صص ۹-۱۰).

مصارف اجتماعی و اقتصادی وقف در دوره قاجار

وقف را باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزو مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه بدانیم. این امر در حقیقت نوعی بیمه اجتماعی است. فقرزدایی یکی دیگر از اهداف مهم وقف است. احکامی برای حمایت از مستمندان، کمک به نایبانیان، زمین گیران، از پافتاگان، آوارگان، بچه های بی سرپرست، یتام، اسیران، بیماران، سالخوردگان، و غیره صادر شده است (شاه حسینی، ۱۳۷۵، صص ۱۲۲-۱۲۵). بنابراین مهم ترین مصارف وقف در بخش اجتماعی و رفاهی جامعه خلاصه می شود که به دو بخش عمرانی و بهداشتی تقسیم می شود. مصارف عمرانی همانند احداث و تعمیر آب انبارها، (امامیان، ۱۳۸۴، ج، ص ۱۲۹)، یخچال (سند شماره ۶؛ شناسه سند: ۲۹۶/۲۶۱۵۲؛ منشا آرشیو ملی)، قنات ها (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۳۵) سقاخانه ها (احمدی ملکی، ۱۳۷۷، صص ۸۴-۸۵) پل ها و هر اقدامی که باعث رفاه و آسایش اجتماعی مردم شود. مصارف بهداشتی هم شامل تأسیس حمام و دارالشفاء؛ حتی عده ای وقت خود را به پرستاری از بیماران وقف می کردند.

در مواردی عمل به وقف برای توسعه شهر و رفاه شهروندان وقوع می یافت. برای مثال



ناصرالدین شاه قنات ناصریه (باغشاه) را برای مصرف مردم محله سنگلج در سال ۱۲۷۳ ق. و حاج میرزا علیرضا قنات خود را برای عموم مردم شرق تهران قدیم وقف کردند (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷).

یکی از اهداف وقف در دوره قاجار آموزشی است که بیشتر در قالب آموزش دینی (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۷) و وقف بر اندیشمندان، علما، مدرسین و مروجان دین است. یکی دیگر از آثار اجتماعی وقف، احسان و نیکوکاری، دستگیری از ضعفا و عجزه و بی‌پناهان و ایتام و نیز کمک به بینوایان و فقرایی است که بنا به عللی، توانایی کار ندارند و قادر به امرار معاش خود نیستند (کردستانی، ۱۳۸۱، ص ۸۱).

حجم زیادی از موقوفات دوره قاجاریه، اختصاص به بنای مسجد یا مخارج جانبی مثل روضه‌خوانی در مساجد داشت. زیرا بسیاری از نیکوکاران نمی‌خواستند، نامشان مطرح شود یا عده‌ای درصدد سودجویی و سوءاستفاده بوده‌اند و اطلاعات صحیح در اختیار مردم و پژوهشگران قرار نداده‌اند. مساجد بسیاری در این دوره ساخته و وقف شده است. وجود این مساجد تأثیر زیادی در فرهنگ دینی نهاد و آموزه‌های شیعی را گسترش بخشید و نهادهای دینی را توسعه داد (مطبعه‌چی، ۱۳۸۹، صص ۶۶۸-۶۶۹).

از جمله این مصارف می‌توان به وقف برای هزینه‌های ایام عزاداری اهل بیت (ع) اشاره کرد که نمونه‌ای از آن در زیر می‌آید:

غـب الحمد و الصلوة^۱

غرض از تحریر این کلمات شرعیه الدلالات و باعث بر تسطیر این حروف واضح المبادی و النهایات آن است که دو قطعه باغ هر قطعه یک جریب که عبارت از دو جریب باشد مرهون مبرور حاجی میرزا جانی از بابت ثلث مرحوم حاج قاسم وقف بر حضرت چهارده معصوم علیه السلام نموده بود که محصول آن بعد از وضع جمیع مخارج عشر آن حق التولیه نه عشر دیگر در ایام متبرکه سنه در تعزیه ایشان علیهم السلام صرف شود و تولیت آن را مادام الحیات با مرحوم علین مکان سمی خلیل الرحمان آخوند ملا محمد ابراهیم خلیل الرحمن آخوند ملا محمد ابراهیم طالب ثراه افوض نموده بود ثم با اولاد آن مرحوم نسل بعد نسل به موجب ورق [سند ریختگی دارد] و قطعین المرقومتین المحدودتین به حدود هامش در معرض خرابی و انهدام بود در فروش آن و تبدیل به احسن دانستند و فروختند بعد عمرشان کفایت نکرد [سند ریختگی دارد] و وصی خود قرار داده بودند ولد ارشد اکبر خود

۱. سند شماره ۱۰: شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۳۹۳؛ منشا آرشیو ملی؛ نوع سند: سواد وصیت‌نامه (به افاده وقف)؛ موصی (واقف): حاجی میرزا جانی از بابت ثلث حاجی قاسم؛ وصی (موصی‌له): ارشد اولاد ایشان آقا شیخ محمد؛ تولیت بر وقف: آقا خند ملا محمد ابراهیم؛ واجبات مالی و دینی (به صیغه وقف): دو قطعه باغ (دو جریب) وقف بر حضرت چهارده معصوم (ع) و نیز دو جریب از باغ سنگ‌زاری به صیغه وقف صلح شده بر ذمه والدین و ایام عزاداری اهل بیت (ع)؛ تاریخ تحریر سند: ۱۲۰۸ ق.



عالیجناب فضایل مآب نتیجه العلما آقا شیخ محمد [سند ریختگی دارد] آقا چهل تومان جهت متعلقه خود مرحومه آقا شیخ مرقوم بابت ثلث آن مرقومه به مصارف نیت مرقومه صرف نموده بود و طلبکار بود و یک قطعه باغ چهار جریبی مشهور به باغ سنگزاری آن مرحومه معین شده بود فروخته شود به مصارف موصیه مصروف شود چون مرحوم آقا طلبکار بود و بایست جهت دو جریب فروخته شده عوض تعیین نمود لهذا جناب آقا شیخ محمد مرقوم اصالتاً و وصایتاً دو جریب مشاع من جهت قطعه چهار جریبی سنگزاری مادری خود را منتقل به صیغه صلح به وقف نمود با جمیع توابع و لواحق شرعی و عرفیه آن من الممر و المدخل و المشرب و کلما تعلق بها بقدر الحصه الشایعه که واقع است در قریه علی شاه عوض شهریار و محدود است به حدود ذیل السطر به مبلغ سی و پنج تومان وجه ریال بیست و چهار نخودی ناصرالدین شاهی [حدی به باغ مشهدی حسین علی، حدی به باغ مشهدی قربانعلی بقال، حدی به باغ آقا سید ابوطالب تهرانی، حدی به نهر خالارزا] ده عدد یک تومان که آن دو قطعه فروخته شده بود به همین قیمت و وجه آن که بر ذمه مرحوم آقا بود از این بابت احتساب شد، پس بناء علی هذا دو جریب مشاع از یک قطعه باغ مرقوم وقف است بر حضرات چهارده معصوم علیهم السلام به طریق مرقوم در فوق که بعد از وضع مخارج و عشر حق التولیه نه عشر در ایام متبرکه هر سنه از سنوات آتیه صرف تعزیه‌داری شود و تولیت آن هم نسل بعد نسل با اولاد مرحوم آقای آخوند می باشد فمن بدله بعد ما سمعه فأنما اسمہ علی الذین یبدلونه کان وقوع ذلک فی یوم پنجم شهر ذی قعده الحرام من شهر سنه ۱۳۰۸

حدود قطعه اولی حدی به باغ مشهدی قربانعلی بقال - حدی به نهر خاوه - حدی به باغ مشهدی قاسم - حدی ایضا -
حدود قطعه ثانی حدی به باغ مشهدی قربانعلی بقال - حدی ایضا - حدی به باغ محمد علی - حدی به باغ مشهدی قاسم

[سجلات سند]

- ۱- نمره ۱۵ سواد مطابق با اصل است - پنجم ثور ۱۲۹۹ سید رضی شهرستانی - ثبت دفتر تفتیش اوقاف (داخل مهر)
- ۲- هوالباقی قد وقع جمیع مافصل و نومیه فیہ لدی الجانی فی پنجم نجومی ذیقعدہ ۱۳۰۸ هجری جعفر الحسینی



۳- صح و وقع تمام ما رقم و فصل فیله لدی الجانی فی پنجم نجومی شهر
ذی القعدة من ۱۳۰۸

۴- سواد مطابق با اصل است ان عبد الفانی باقر اعلمی میرفخرایی

۵- بسم الله تعالى وقع ما زبر و سطر فيه لدی فی شهر ذی القعد الحرام من
۱۳۰۸ یا علی

۶- الشاهد عالی شأن کربلای محمد کریم (یا کریم)

۷- کربلایی سید حسین ولد مرحوم آقا سید علی (حسین به علی الحسینی)

۸- ضبط شود

۹- کارتن دوسیه ۳۹

۱۰- در تحت نمره ۳۵۱ در دفتر موقوفات تهران و توابع ثبت شد.

با توجه به متن وقفنامه‌های موجود دوره قاجاریه بیشترین اهداف وقف در این دوره مذهبی بوده و عمدتاً صرف روضه‌خوانی و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء می‌شده است (مؤمنی، ۱۳۶۵، ص ۳۲). البته به دلیل بافت سنتی جامعه، بسیاری از موقوفات، به جای صرف امور فرهنگی که با تحولات دنیای آن روز بایست هم‌آهنگ بود، مصروف روشنایی عتبات عالیات، تهیه بویا، شمع مساجد و برگزاری مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری می‌شد (طباطباییان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰).

از این شمار می‌توان به «وقفنامه محمد صادق تاجر بخاری خادم کشیک رابع آستان قدس رضوی در مورد وقف کاروانسرای خواجه خور در بخارا، مزرعه‌ای و قناتی در چناران و چند ملک و دکان در مشهد، بابت خمس زکات و روشنایی مزار پدرش محمدعظیم و عمویش محمدکریم تاجر بخاری و تعزیه‌داری پیامبر و ائمه در حسینیه عبدالکریم با تولیت خود و سپس فرزندان ذکورش» مربوط به سال‌های ۱۳۰۹، ۱۳۱۳ و ۱۳۴۱ ق. اشاره کرد (شناسه سند: ۹۹۸/۵۳؛ منشا آرشیو ملی).

از بررسی وقفنامه‌های این دوره، این نتیجه به دست آمد که طبقات مختلف مردم نسبت به برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و وقف بر این مراسم از یکدیگر سبقت می‌گرفتند و حتی بعضی از آنان تأکید می‌کردند که مراسم عزاداری حتماً باید در تکیه محله (حسینیه) یا خانه‌های خودشان برگزار می‌شد؛ زیرا هر محله و صنفی برای خود تکیه‌ای مخصوص داشت که در آن برای مصیبت کربلا عزاداری می‌کردند. حتی در این دوره، همه مردم از فرادست تا فرودست در دایرکردن تکیه‌ها برای برگزاری مراسم عزاداری و تعزیه‌خوانی از خود شوق و اشتیاق نشان می‌دادند و بانین هم می‌کوشیدند تا از راه ساخت تکیه و وقف بر آن‌ها برای خود اجرای دنیوی و اخروی فراهم کنند.



علاوه بر وجود وقفنامه‌هایی مبنی بر ساخت مساجد، وقفنامه‌هایی نیز وجود دارد که تعمیر و نگهداری مساجد در آن‌ها وقف شده است و واقفانی که توانایی ساخت مسجد را نداشتند قسمتی از درآمد موقوفات را به تعمیر مساجد شهر اختصاص می‌دادند و متولی یا ناظر با صلاح‌دید خود مصارف مساجد را تأمین می‌کردند. نمونه‌ای از این اسناد مربوط به دوران ناصرالدین‌شاه به شرح زیر است:

باعث بر تحریر، آنکه هنگامی که جناب ارشاد مآب حاجی شیخ محمد، مسجد واقع در جنب تکیه حسینییه را بنا نمود، دو دانگ سهمی خود را از شش‌دانگ باغ واقع در پیش شرقی تپه باباکل را وقف بر مسجد مذکور بوده و بعد از عمارت ثانوی آن مسجد به وقفیت قرار گرفته و تا اکنون منافع آن به مصرف مسجد رسیده، بالفعل که جناب ارشاد مآب معز الیه متولی و ناظر اوقاف مسجد مزبور است و در اصل تولیت آن دو دانگ را نیز برای خود مقرر نموده باید مثل قریه عسگران در دست او باشد کالسابق منافع و فواید آن به حسب مصلحت در مصارف مسجد الایم فالایم صرف و خرج بنماید فی غره شهر ذیحجه الحرام ۱۳۰۲.

حواشی:

۱. الا مرکما حرر فی المتن الداعی امام الجمعة والخطیب عبدالؤمن (مردوخی).
۲. وقفیت دو دانگ باغ مرقوم متن را علم قطع دارم در تاریخ سنه هزار و دویست و هفتاد و دو هجری جناب مستطاب حاجی شیخ محمد تولیت آن را تفویض بمرحوم ابوی سید سعدالدین کردند تقریباً سه چهار سال مباشرت در آنجا داشت و همان وقفنامه‌ای که بخط و خاتم حکام شرع و علمای ملک بود دیده‌ام.

شهدالله شبهه در وقفیت آن نیست. اقل العباد عبده الراجی سید محمد سعید الحسینی

۳. و انا علی ذالک من الشاهدین. الداعی ابن المهاجر (یا محمود). (کردستانی، ۱۳۸۱، صص ۸۹-۹۰)

مظفرالدین‌شاه و نهاد وقف

هم‌چنان که پیش از این اشاره شد شاهان قاجار مانند حاکمان صفویه، مدعی تشیع و عمل به واجبات و پرهیز از محرّمات بودند و به‌منظور ایجاد مقبولیت مردمی و مشروعیت دینی، صدقات و وقف‌های علنی داشتند. نمونه آن درخواست کمک یحیی دولت‌آبادی برای تأسیس



مدرسه سادات (۱۳۱۶ق.) بود که مظفرالدین شاه قاجار، کمک‌های وقفی را به این مرکز ارائه داد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۳)؛ بنابراین مهم‌ترین مسئله که در امر اوقاف باید در نظر گرفته شود، نگرش دولت مردان این سلسله به نهاد وقف است.

با عنایت به گزارش‌های مبنی بر مساعدت مظفرالدین شاه به اوقاف، در این دوره به‌نظر می‌رسد اغلب افراد متمول جامعه می‌کوشیدند تا اقدامی در این راه بردارند و خودی نشان دهند. برای نمونه در بین درباریان و شاهزادگان، افرادی مانند اکبر میرزا صارم‌الدوله را می‌بینیم که با وقف زمینی بزرگ در اصفهان و ساخت دبیرستان (مدرسه متوسطه) و صرف بسیاری از موقوفات واقع در میدان نقش جهان برای تأمین هزینه‌های آن به چنین امور خیری مبادرت کرد. (= طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰). سند زیر نمونه‌ای از وقف‌نامه‌های زنان دوره مظفری است^۱:

باسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله واقف علی ضمایر العالمین و صلوات و سلام علی اشرف المرسلین
محمد و اله ؟ ؟ شفعا یوم الدین للمومنین علی المتمسکین به عترت
المعصومین اما بعد در اشرف زمان و اسعد زمان توفیق رفیق حال عالی شأن
عزت و سعادت توأمان آقا محمد گردید. که در حین صحت نفس و ثبات عقل
و جواز تصرفات شرعیه وقف مؤبد و حسب مخلت نمودن همگی و تمامی ؟
کوه خضری با اراضی تابعه و کل ما تعلق بها بر مصرف تعزیه حضرت سید
الشهداء (ع) ارواح عالمین فداه که منافع میاه مزبور را الی یوم القیامه بعد از
وضع وجوهات دیوانی به مصارف عزاداری سید المظلومان (ع) برسانیده باشیم.
و ثوابش را نثار روح واقف نمایند. تولیت میاه مزبور را ؟ آقا محمد خلف سلف
عبدالحسین واگذار نمود و نظارت اخلاف به توفیق آثار کربلایی علی اکبر
بیک واگذار نمود و ایضا مجاری ده تومان میاه کوه خضری با اراضی تابعه و
کل ما تعلق بها وقف مؤبد و حسب مخلد نمود عفت و عصمت پناه سعادت
و ؟ همراه حاجیه ؟ المسماه به ماه بیکم مخلفه مرحوم کربلایی عبدالحسین
بیک بر مصرف تعزیه حضرت سیدالشهدا علیه السلام که منافع میاه مزبور را
بعد از وضع وجوهات دیوانی به مصارف عزاداری سید المظلومان علیه السلام
برسانند ؟ آقا علی خان و سیف الله تولیت میاه مزبور را به فرزند ارجمند خود
کربلایی علی اکبر بیک قرار دادند و نظارت میاه مزبور را در عهده ؟ حاجی آقا
محمد قرار دادند و بعد به اولاد ذکور متولی و ناظر نسل بعد نسل در تولیت ؟
الی یوم القیامه من تولیه در هر سنه ؟ تخلف کننده از مراتب مسطور و تغییر

۱. سند شماره ۱۲: شناسه سند:
۲۹۷-۲۱۷۱۱؛ منشأ: آرشیو ملی ایران؛
عنوان: وقف‌نامه؛ واقف: ماه بیکم؛
عین موقوفه: مجاری ده فتنجان کوه
حفری با اراضی تابعه آن؛ مصارف: بعد
از وجوهات دیوانی به مصرف عزاداری
سید الشهداء (ع) ثوابش نثار روح واقف؛
تولیت: نوه واقف، آقا محمد خلف
عبدالحسین بیک؛ ناظر: کربلایی علی
اکبر بیک؛ تاریخ وقف: ۱۲۸۹ق.، تاریخ
تحریر سند: ۱۳۲۳ق.



دهنده ملعون است. وقف صحیحا صریحا شرعیا و لایباع و لایحب و لایورث
و قد جرت صیغتان الوقف به المراتب المسطور و کان ذلک تحریرا و تاریخ
منتصف شهر جمادلی اولی مطابق سنه ۱۳۳۳ ق.

نتیجه گیری

وقف بر اساس کسب رضای پروردگار و اجرای فرامین وی یعنی جهان بینی الهی و نیز اخذ اجر اخروی از سوی انسان واقف انجام می شود وقف در ایران اسلامی راحت ترین و عمومی ترین سستی است که نفوذ آن را در زندگی روزمره انسان ها سراغ داریم و از مختصات نظام حقوقی و اقتصادی اسلام است که به صورت تعاونی تکامل یافته درآمده و جوامع اسلامی را دوام و قوام بخشیده است؛ در قرآن کریم آیه ای وجود ندارد که به طور صریح بر مسئله وقف و احکام آن دلالت کند، اما دقت در مضامین برخی آیات که به عمل صالح، تالیف قلوب و جلب محبت دیگران، روح تعاون، احسان و برادری و تقرب الی الله تشویق و ترغیب می کند و همچنین کلام ارزشمند معصومین (ع) و سیره عملی آن بزرگواران در دوران حیات مکرم شان نشانگر اهمیت والا و بسیار زیاد وقف در نزد خداوند متعال و اهل بیت (ع) است.

با توجه به این نکته که میزان موقوفات در هر دوره تاریخی به طور مستقیم حاکی از اعتقادات مذهبی و شرایط اقتصادی مردم و نیز میزان امنیت در جامعه (دست اندازی زورمندان و اجزای حکومت) و حتی خودنمایی مذهبی طبقات اشراف و متمول نیز بوده، در دوره ناصرالدین شاه قاجار، طبقه ای متوسط و مرفه متشکل از تجار، بازرگانان و پیشه وران به وجود آمد، که نیازهای مالی مساجد، بازارها، مکتب ها، مدارس، تکایا و سایر موقوفات را تأمین می کردند. در این دوره بیشتر املاکی وقف می شد اغلب دکان و کاروان سرا بود و بعد از آن خانه، آب انبار، حمام و مسجد نیز جزو موقوفات رایج و متداول بوده است. در غالب مواردی که نام متولیان موقوفات بازار ذکر شده است، متولیان روحانی هستند. تعدادی از واقفان بازار از تجار بودند.

واقفان از طبقات مختلفی تشکیل شده بودند: حاکمان، بازاریان، روحانیون و زنان واقف، موقوفات زنان در دوران قاجار که در رده وقف های با مقیاس کوچک محسوب می شوند، مسئله ای خارق العاده چه به لحاظ شکستن هنجارهای مورد قبول و چه به لحاظ گرایش های زن سالارانه به شمار نمی رود. علی رغم رواج روضه خوانی در میان زنان تمامی طبقات در دوران قاجار، موقوفات بانوان هرگز چنین مصارفی را ویژه زنان در اسناد وقف بر نهموده اند. علاوه بر وجود طبقات مختلف واقفان، موارد و مصارف وقف نیز قابل توجه است. یکی از این مصارف، وقف آموزشی بود. در دوره قاجار پرداختن به تحصیل در مکتب خانه ها و مدارس

قدیم برای همگان ممکن نبود. فقر فراگیر مادی و معنوی رواج بی‌سوادی در سطح شهر و عوام‌زدگی در مدارس و حتی در دیوان‌های دولتی واقعیتی انکارناپذیر بود؛ در دوره قاجار پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون، برای حفظ و نشر مذهب از طریق ایجاد مدارس علمیه، عمل به وقف می‌شد. اهمیتی که واقفان این دوره به این مدارس می‌دادند را می‌توان در سبک‌های معماری و تزئینات این مدارس و حجم موقوفاتی که برای آن‌ها قرار می‌دادند، دید. بر اساس وقف‌نامه‌های موجود بیشتر مدارس علمیه وقفی در دوره قاجار تأسیس شده‌اند. پس از ایجاد مدرسه دارالفنون و آشنایی با دانش جدید مدرسی به سبک جدید احداث و وقف می‌شد، مانند مدرسه اسلام و مدرسه خیریه یا ایتام.

از دیگر کارکردهای وقف، کارکرد مذهبی- فرهنگی بوده به‌طوری که در بسیاری از موقوفات واقفان امر تولیت را که برای آن‌ها بسیار مهم بود، به علما و روحانیون داده‌اند، حتی گاهی خود این موقوفات توسط علما و روحانیون ایجاد شده است؛ همچنین وقف تأثیر فراوانی در پیشرفت مراسم و اعیاد مذهبی و شیعی در بین مردم داشت به‌خصوص اینکه عقاید و افکار تشیع را پررنگ تر جلوه می‌داد. برپایی مراسم عزادری، تعزیه، روضه‌خوانی، افطاری در ماه مبارک رمضان، برپایی سفره‌ها و میهمانی‌ها در اعیاد بزرگ مسلمین، همه مدیون موقوفاتی است که در این دوره توسط واقفان در قشرهای مختلف، چه در سطح حاکمان، همچون حاکم، شاه و... و چه در سطح طبقات مهم جامعه همچون امام جمعه و تاجر و یا در سطح پایین و معمولی جامعه مانند مردم عادی جامعه انجام می‌گرفته است.

در جمع‌بندی نهایی این‌گونه می‌توان استنباط کرد که نهاد وقف از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار آشفته و نابسامان بوده است. ناصرالدین‌شاه وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه را تأسیس کرد تا بتواند با نظارت بر موقوفات و عملکرد متولیان از حیف‌ومیل شدن موقوفات جلوگیری کند؛ اما واقفان همچنان برای تنظیم اسناد موقوفه به نزد روحانیون می‌رفتند. از طرفی ناصرالدین‌شاه به وزارت اوقاف دستور داده بود تا از روحانیان و علما بخواهند که گزارشی مبنی بر عملکرد موقوفات و شرح تنظیم اسناد موقوفات به وزارت بدهند؛ اما روحانیون در ارائه گزارش به دولت کوتاهی می‌کردند و این‌گونه بود که این نهاد آن‌گونه که باید ساماندهی نشد و همواره سوءاستفاده‌هایی از موقوفات به عمل آمده است.

اما پس از انقلاب مشروطه و تنظیم مفاد آیین‌نامه اوقاف، این نهاد را هم‌چنان روحانیون اداره و اجرا می‌کردند و دولت فقط نظارت محسوسی بر موقوفات داشت و شاید یکی از عللی که باعث شد این نهاد چنان‌که باید رشد نکند این بود که اوقاف نهادی دینی بود و دینی شدن این نهاد به این علت بود که مردم در این زمان معتقد بودند که نهاد اوقاف و موقوفات باید زیر نظر بزرگان دینی هدایت شود و نسبت به دولت بی‌اعتماد بودند و نمی‌خواستند موقوفاتشان



تحت نظارت دولت قرار بگیرد.

طی این بررسی فرضیه اصلی پژوهش تأیید شد. رشد وقف و موقوفات در عصر ناصری نسبت به دوره قبل از آن است بررسی ۶۵ سند و وقفنامه دیده شده نشانگر آن بود که نزدیک به ۶۵ درصد این اسناد و وقفنامه‌ها مربوط به دوره ناصری است و با مضامین مذهبی است. از بین ۶۵ سند و وقفنامه دیده شده برای این بررسی وقفنامه‌ای از دوران آقا محمدخان دیده نشد. تعداد اسناد دیده شده از دیگر سلاطین قاجار به ترتیب عبارت بود از فتحعلی شاه ۱، محمدشاه ۱، محمدعلیشاه ۱، مظفرالدین شاه ۹، احمدشاه ۱۲ و ناصرالدین شاه ۴۲ سند و وقفنامه. هر چند شاید در وادی امر این چنین به نظر برسد که طولانی بودن دوران سلطنت ناصرالدین شاه در این امر تأثیرگذار بوده است اما با مقایسه دوران سلطنت شاهان قاجار و تعداد وقفنامه‌های دیده شده، این مسئله رد می‌شود.

جدول شماره ۱

سلطان	دوران سلطنت	اسناد دیده شده
آقا محمد خان	۳ سال	-
فتحعلی شاه	۳۶ سال و ۸ ماه	۱
محمدشاه	۱۴ سال	۱
ناصرالدین شاه	۴۸ سال	۴۲
مظفرالدین شاه	۱۰ سال	۹
محمدعلی شاه	۳ سال	۱
احمدشاه	۱۶ سال	۱۲

با توجه به متن وقفنامه‌های موجود دوره قاجاریه بیشترین اهداف وقف در این دوره مذهبی بوده و عمدتاً صرف روضه‌خوانی و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء می‌شده است. به عبارت دیگر، روضه‌خوانی سیدالشهداء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به طوری که این قضیه در تمامی وقفنامه‌ها - حتی وقفنامه‌های کوچک - صدق می‌کند و مصارف تعزیه‌داری در ایام محرم دلیلی بر پایداری مذهب شیعه بوده است. بیشترین مصرف وقف در بین اسناد دیده شده نیز مربوط به تعزیه‌داری سیدالشهداء (ع) است. فهرست تفصیلی اسناد مورد استفاده در جدول شماره ۲ آمده است:



جدول شماره ۲: فهرست تفضیلی اسناد مورد استفاده

سال	موضوع وقف	سایر
۱۲۲۷ ق.	تعزیه‌داری خامس آل عبا و ابا عبدالله الحسین(ع) روزهای دوشنبه و جمعه و نیز زیارت ساکنین خانه به نیابت واقفه و والدین و همسیره او	شناسه سند: ۱۹۷۳۴-۲۹۳؛ واقف: خانم کوچک زوجة آقا بزرگ رشتی - وکیل و نایب الوکاله: حاجی میرزا آقایی طهرانی - عین موقوفه: کل یک باب حوالی در محله کرد کوه [؟] حسام الدین
۱۲۶۸ ق.	اولاد ذکور حاج عباس	شناسه سند: ۹۹۷/۴۷۳؛ وقف‌نامه‌ای شامل وقف چهار دانگ و نیم از بستان معروف به جلیل‌آباد واقع در قصرالدشت شیراز
۱۲۷۲ ق.	صرف تعزیه‌داری خامس آل عبا (ع) و مجلس روضه‌خوانی در ایام محرم و صفر	شناسه سند: ۱۹۷۳۰/۲۹۶؛ واقف: حاجیه خیرالنساء خانم؛ عین موقوفه: کل شش دانگ یک دست عمارت متصرفی واقف واقع در گذر حصار از محله سنگلج
۱۲۷۵ ق.	---	شناسه سند: ۱۸۶۳۶/۲۹۶؛ اجاره‌نامه عمارت وقفی واقعه در محله سنگلج تهران متعلق به مادرزن منجم‌باشی پشت سند دارای مهر عبدالراجی محمدجعفر؛
۱۲۷۶ ق.	صرف تعزیه‌داری خامس آل عبا (ع) در ماه محرم الحرام از منافع و مداخل حبه مزبوره	شناسه سند: ۱۶۸۵۳/۲۹۶؛ واقف: مریم بیگم صبیبه میرزا محمد هادی طباطبایی نائینی؛ عین موقوفه: یک حبه مشاعه از نه حبه مفروزه از مزرعه فوداذ واقع در مزارع قصبه نائین از اراضی و صحاری و باغات و عمارات و...؛
۱۲۷۶ ق.	صرف تعزیه‌داری خامس آل عبا (ع) در ماه محرم الحرام از منافع و مداخل حبه مزبوره؛ تولیت	شناسه سند: ۱۶۸۵۳/۲۹۶؛ واقف: مریم بیگم صبیبه میرزا محمد هادی طباطبایی نائینی؛ عین موقوفه: یک حبه مشاعه از نه حبه مفروزه از مزرعه فوداذ واقع در مزارع قصبه نائین از اراضی و صحاری و باغات و عمارات و...؛
۱۲۷۶ ق.	روشنایی مسجد، روضه‌خوانی، خرید قرآن و کتب ادعیه و غیره	شناسه سند: ۳۶۰/۴۴۱۴؛ وقف‌نامه چندباب مغازه در تهران احداثی توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر
۱۲۷۹ ق.	تعزیه‌داران سید الشهداء(ع) و روضه‌خوانی و خرج روشنایی و قهوه و غلیان و اجرت روضه‌خوان (دردهه اول محرم و عاشورا)	شناسه سند: ۲۷۶۲۷-۹۹۹؛ واقف: آقا میرزا علی‌نقی خلف میرزا محمدعلی آشتیانی - عین موقوفه: سه دانگ از کل شش دانگ مجاری آب در متن مزرعه موسوم به خانیه
۱۲۷۹ ق.	صرف تعزیه‌داران سید الشهداء(ع)	شناسه سند: ۲۷۶۲۷-۹۹۹؛ واقف: آقا میرزا علی‌نقی خلف میرزا محمدعلی آشتیانی؛ عین موقوفه: سه دانگ از کل شش دانگ مجاری آب در متن مزرعه موسوم به [خانیه؟]



سال	موضوع وقف	سایر
۱۲۸۰ ق.		شناسه سند: ۲۹۶/۲۰۱۹۱؛ ادعا درخصوص ملکیت وقفی در بخشی از املاک منجم باشی در گیلان؛
۱۲۸۰-۱۲۸۱ ق.	صرف تعزیه‌داری خامس آل عبا سیدالشهدا و ائمه المعصومین	شناسه سند: ۱۶۹۵۲/۲۹۶؛ وقف‌نامه‌ای درمورد وقف قطعه ملک از توابع قزوین (معروف به بلوک رضاخانی) از سوی محمدحسین تاجر مشهور به علاقه‌بند؛
۱۲۸۶ ق.	---	شناسه سند: ۹۹۹/۲۷۴۳۵؛ نامه‌ای مبنی بر تقاضای تعیین شخصی امین جهت انجام امور پنج دانگ وقفی حمام خلف باغ؛
۱۲۸۷ ق.	جهت نماز و روزه وصی و والدین موصی و خمس و زکات و رد مظالم به فقرا و تعزیه‌داری (چهارده معصوم) و شهدای دشت کربلا و سهم امام	شناسه سند: ۱-۲۱۳۹۳-۲۹۷؛ سواد وصیت‌نامه (به افاده وقف)؛ موصی: حاجی میرزا جانعلی شاه؛ موصی له (وصی) ولدان نامبرده: حاجی محمد و حاجی علی؛
۱۲۸۷ ق.	نماز و روزه وصی و نیز خمس و زکات و رد مظالم به فقرا و تعزیه‌داری (چهارده معصوم) و شهدای دشت کربلا و سهم امام و صرف نماز و روزه والدین موصی	شناسه سند: ۱-۲۱۳۹۳-۲۹۷؛ سواد وصیت‌نامه (به افاده وقف) - موصی: حاجی میرزا جانعلی شاه - موصی له (وصی) ولدان نامبرده: حاجی محمد و حاجی علی - واجبات مالی و دینی (به صیغه صلح به وقف)؛
۱۲۸۹ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۷-۲۰۸۶۵، وقف‌نامه یک قطعه زمین در آب سرد دماوند؛
۱۲۹۰ ق.	وقف بر شخص به نام ملا سعیدالدین	شناسه سند: ۱۱۸۴۱/۲۹۶؛ وقف‌نامه املاک متعلق به ملا محمد واقع در روستای چرندوی سندنجان؛
۱۲۹۰ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۶/۲۰۰۴۶؛ شکوائیه اهالی لنگرود درخصوص تصرف عدوانی املاک وقفی مسجدجامع لنگرود توسط اولاد میرزا محمد تقی
۱۲۹۰ ق.	وقف فقرا و مساکین	شناسه سند: ۲۹۶/۲۰۰۶۴؛ تعیین‌نامه حاجی میر محمد صالح بر وقف‌نامه املاک میرزا شرف جهان؛ واقف: میرزا شرف جهان؛ عین موقوفه: بخشی از املاک و بلوکات دارالسلطنه قزوین؛
۱۲۹۰ ق.	تعزیه‌داری سیدالشهدا	شناسه سند: ۹۹۷/۳۸؛ وقف قراء برایجان، سیف‌آباد، محمودآباد، دزآباد، زردوان و کلاه‌سیاه واقع در فارس توسط حاج میرزا شفیع مستوفی



سال	موضوع وقف	سایر
۱۲۹۲ ق.	صرف تعزیه‌داری انبیاء و اوصیاء و اولیاء و شهدا و عموماً و خصوصاً سیدالشهدا علیه‌السلام و نیز خرید کتب فقه و اصول به جهت استفاده طلاب دینی و ..	شناسه سند: ۲۹۶/۳۳۹۳۴؛ واقف: حاجی آغا فیروز خواجه دربار ناصرالدین شاه؛ عین موقوفه: همگی و تمامی سه دانگ مفروز از شش دانگ قریه سلیمان آباد از توابع غار بلوک دارالخلافه تهران شامل شش دانگ بیوتات رعیتی قریه نامبرده و طویله و انبار به انضمام یک قطعه باغ کوچک و ...؛
۱۲۹۳ ق.	جهت امور تعزیه‌داری خامس آل عبا حضرت سیدالشهدا (ع) و فقرا و تعیین تکلیف تولیت آن	شناسه سند: ۲۹۶/۲۶۶۲۹؛ موقوفه: حاجی محمدحسین ولد حاجی حسن مباشر مبنی بر وقف مزرعه دهنو واقع در تربت حیدریه
۱۲۹۴ ق.	صرف فقرا و ضعفا از شیعیان به علاوه تعمیرات مخارج مدرسه	شناسه سند: ۲۹۶/۱۹۴۱۰؛ وقف املاک موروثی میرزا مهدی خان منجم باشی توسط شاهزاده خانم مادر وی
۱۲۹۶ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۶/۲۲۶۶۶؛ تصدیق نامه وقفیت مزرعه مظفرآباد واقع در شهر بابک به نظارت غلامحسین و تولیت آقامحمد؛
۱۲۹۶ ق.	جهت آب انبار و مدرسه امام قلی خان	شناسه سند: ۹۹۷/۳۵۲؛ حکم فرهاد میرزا در خصوص وقف قنات فرهاد آباد
۱۲۹۶ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۷۱۴؛ صورت موقوفات کمره و نراق (دلیجان) شامل واقف محل، معرف، متولی و تاریخ وقف
۱۲۹۹ ق.	عواید نقدی و غیرنقدی بعد مسافت	شناسه سند: ۲۹۷/۲۳۶۶۱؛ فهرست موقوفات قائنات و مشخصات آنها مثل: محل، نام واقف و تاریخ وقف، موارد مصرف، متولیان و ناظران؛
۱۳۰۰ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۶/۱۹۶۳۳؛ عریضه‌ای به میرزا مهدی خان منجم‌باشی درخصوص املاک موقوفه خراسان و عراق، تعمیرات مسجد گوهرشاد و صحن مطهر، شمه‌ای از تعدیات آصف‌الدوله و میرزا حسن خان سالار؛
۱۳۰۰ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۰/۸۶۳؛ شکایت سید محمد بهبهانی از تصرف عدوانی اراضی وقفی مشیرالسلطنه در شهریار؛
۱۳۰۰ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۳/۱۹۵۴؛ تقاضای اجازه تشکیل جلسات نظار قنات وقفی نظامیه؛
۱۳۰۱ ق.	برای استقرار نهر نجف‌اشرف به منظور استفاده آب برای ساکنین و زوار عتبات عالیات	شناسه سند: ۲۹۶/۹۲۳۹؛ واقف: سلطان حمید میرزا؛ عین موقوفه: نصف مشاع کامل از شش دانگ مزرعه و قنات ناصری واقع در سلطان‌آباد عراق عجم؛

سال	موضوع وقف	سایر
۱۳۰۳ ق.	مصرف در مسجد لطفعلی خان	شناسه سند: ۲۹۶/۲۶۱۵۲؛ کپی وقف نامچه تمامی و همگی یک باب یخچال واقع در محله هندودربین و عواید آن
۱۳۰۳ ق.	---	شناسه سند: ۹۹۹/۲۷۲۹۲؛ تصرف عدوانی باغ وقفی مدرسه خان توسط سید مهدی، عبدالله، ملا رضا و غیره و توافق در مورد پرداخت مبلغی جهت مصارف وقف
۱۳۰۴ ق.	جهت خیرات و مبرات، ثواب ۴ ثلث آن در حق والد واقف، منافع ده تومان به همشیرگان واقف و نیز سالانه مبلغ ۲۵ تومان صرف عزاداری خامس آل عبا(ع)	شناسه سند: ۵۴۱-۲۵۰؛ واقف: حاجی سید ابراهیم طهرانی - عین موقوفه: یک دانگ مشاع از کل شش دانگ کاروانسرای نو، معروف به سرای قزوینی‌ها - تولیت: آقا شیخ محمد صادق همدانی و آقا میرزا علی نقی
۱۳۰۴ ق.	ثلث آن صرف تعزیه داری خامس آل عبا و ... و باقی آن صرف روضه خوانی (از قهوه و قلیان و چای و طعام و روضه خوان).	شناسه سند: ۵۴۱-۶-۲۵۰؛ واقف: حاجی استاد حسن معمار (خراسانی) - عین موقوفه: دو باب دکان و دو باب بالا خانه و ... در محله عودلاجان طهران، کوچه قرب حمام خشتی - تولیت: استاد علی و استاد حسین - ناظر: حاجی استاد حسن
۱۳۰۶ ق.	مصارف تعزیه داری حضرت امام حسین(ع)	شناسه سند: ۹۹۹/۲۷۱۷۹؛ وقف نامه یک باب آهنگری توسط محمد علی
۱۳۰۶ ق.	---	شناسه سند: ۱۳۹۳۹/۲۴۰؛ عدم تصریح معافیت مالیاتی در فرامین ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، در وقف دو قریه در ساوجبلاغ و لزوم دریافت مالیات از یکی از آن ها به علت خالصه بودن آن.
۱۳۰۷ ق.	منحصر است به مشروب شدن مؤمنین و مؤمنات در خارج از دروازه قدیم دولاب ... از حوض آب انبار و باغچه های وسط خانه ای کوچک و ...	شناسه سند: ۲۹۶/۲۴۰۶۷؛ واقف: زهرا سلطان خانم صبیح رجبعلی بیگ؛ عین موقوفه: تمامی مجرای سه ساعت آب ملکی متصرفی خود از جمله یکصد و چهل و چهار ساعت از دو رشته قنات بزرگ و سرداری از گردش شش شبانه روز که واقع است در شهر جدید ناصریه (دارالخلافه تهران)؛
۱۳۰۸ ق.	وقف بر حضرت چهارده معصوم (ع) و بر ذمه والدین و ایام عزاداری اهل بیت (ع)	شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۳۹۳؛ سواد وصیت نامه (به افاده وقف)؛ موصی (واقف): حاجی میرزا جانی از بابت ثلث حاجی قاسم؛ وصی (موصی له): ارشد اولاد ایشان آقا شیخ محمد



سال	موضوع وقف	سایر
۱۳۰۸ ق.	وقف بر حضرت چهارده معصوم (ع) و نیز دو جریب از باغ سنگزاری به صیغه وقف صلح شده بر ذمه والدین و ایام عزاداری اهل بیت (ع).	شناسه سند: ۲۱۳۹۳-۲۹۷؛ سواد وصیت نامه (به افاده وقف)- موصی (واقف): حاجی میرزا جانی از بابت ثلث حاجی قاسم، وصی (موصی له): ارشد اولاد ایشان آقا شیخ محمد
۱۳۰۹ ق.	صرف خمس، زکات و روشنایی مزار پدرش و عمویش و نیز چهار سهم به مصرف تعزیه داری خاتم الانبیاء (ص) و ائمه اطهار	شناسه سند: ۹۹۸/۵۳؛ واقف: حاجی محمدصادق تاجر نجاری الاصل و مشهدی المسکن و خادم کشیک رابع آستان مقدسه امام رضا (ع)؛ عین موقوفه: هشت قفره از کل املاک و متصرفی واقف واقع در بخارا و بلوکات ار اقدس و ...؛
۱۳۰۹ ق.	نصف برای تبعه و زوار کربلای معلی و نصف دیگر به مصارف تعزیه داری و عزاداری سید شهدا و خامس آل عبا	شناسه سند: ۲۹۷/۲۲۱۸۵؛ واقف: هجده تن از ساکنین قریه گلین کردستان؛ عین موقوفه: نصف املاک متصرفی واقفین شامل: باغات، اراضی، و بیوتات و طواحین سوای طاحونه فقه محمود؛
۱۳۱۱ ق.	صرف صحن مقدس ابی عبدالله الحسین و تعمیرات بنا و ...	شناسه سند: ۲۵۰/۴۱۸؛ وقف نامه رقبات موقوفه انیس الدوله و تعیین نحوه مصرف عواید آن؛
۱۳۱۲ ق.	جهت آستان قدس رضوی	شناسه سند: ۲۹۶/۱۹۳۶۱؛ وقف روستاهای حاجی ابراهیم ده و نوکلایه از طرف مادر میرزا عیسی خان منجم باشی و اختلاف وراثت وی شامل امین دیوان و منجم باشی در زمینه مالکیت آن؛
۱۳۱۵ ق.	مبلغ شصت تومان به مدت سی سال برای تعمیر خانه و مابقی صرف روضه خوانی در هفته و ماه	شناسه سند: ۹۹۸-۳۴؛ قرارنامه (به افاده وقف)- واقف: محمود خان - موضوع قرار (عین موقوفه): عمل به وقف یک خانه واقع در محله سرچشمه طهران معروف به کوچه میرزا عباس قلی
۱۳۱۷ ق.	وقف بر تعزیه داری اباعبدالله الحسین	شناسه سند: ۲۹۶/۲۶۶۲۸؛ نوع سند: ورقه وصیت بر وقف؛ واقف (موصی)؛ موصی له: اولاد و اخوان واقف (موصی)؛ عین موقوفه (موصی الیه): فهرست وقفی دکانین بازار و چند قطعه زمین زراعی و دو قطعه زمین ملکی ... در صحرای مختاباد؛
۱۳۱۹ ق.	صرف عزاداری عاشورا	شناسه سند: ۲۹۶/۱۶۴۷۶؛ وصیت نامه حاجی رمضان آشپز پیش از سفر به عتبات عالیات و وقف حسینی و تعیین تولیت آن (وصی میرزا عیسی خان منجم باشی)؛

سال	موضوع وقف	سایر
۱۳۱۹ ق.	-----	شناسه سند: ۲۹۶/۱۹۰۲۴؛ رونوشت حکم شاهزاده ملک منصور؛ معافیت قریه موقوفه حسین آباد واقع بر رودخانه زاب از توابع بهبهان از پرداخت مالیات کما فی السابق؛
۱۳۱۹ ق.	مصرف تعزیه داران حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و شهدای کربلا	شناسه سند: ۲۹۷/۲۲۱۴۶؛ نوع سند: وقف نامه؛ واقف: سکینه خانم بنت محمد رضا و کربلایی ماهی بنت علی اصغر؛ عین موقوفه: آب جاریه از قنات مزرعه شهرآباد (از توابع سبزوار)؛
۱۳۱۹ ق.	منافع صرف تعزیت داری خامس آل عبا (ع)، حضرت سید الشهداء (ع) و در سه شب احیا به مصرف افطار روزه داران و خرج مصالح سلسله سادات	شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۶۷۰؛ سواد وقف نامه (به افاده مصالحه)؛ واقف (متصلح): ملا محمد - ابراهیم؛ عین موقوفه: مایملک قریه بهلجو، مزرعه سورک و یازده و نیم فنجان از (قریه - مزرعه) اسفورک؛
۱۳۱۹ ق.	صرف تعزیت داری خامس آل عبا (ع)، حضرت سید الشهداء (ع) و در سه شب احیا به مصرف افطار روزه داران و خرج مصالح سلسله سادات	شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۶۷۰؛ سواد وقف نامه (به افاده مصالحه) - واقف (متصلح): ملا محمد ابراهیم - عین موقوفه: مایملک قریه بهلجو، مزرعه سورک و یازده و نیم فنجان از (قریه - مزرعه) اسفورک
۱۳۲۳ ق.	بعد از وجوهات دیوانی به مصرف عزاداری سید الشهداء (ع) ثوابش نثار روح واقف	شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۷۱۱؛ عنوان: وقف نامه؛ واقف: ماه بیگم؛ عین موقوفه: مجاری ده فنجان کوه حفری با اراضی تابعه آن؛
۱۳۲۳ ق.	بعد از وجوهات دیوانی به مصرف عزاداری سید الشهداء (ع) ثوابش نثار روح واقف	شناسه سند: ۲۹۷-۲۱۷۱۱؛ واقف: ماه بیگم - عین موقوفه: مجاری ده فنجان کوه حفری با اراضی تابعه آن - مصارف: بعد از وجوهات دیوانی به مصرف عزاداری سید الشهداء (ع) ثوابش نثار روح واقف - تولیت: نوّه واقف، آقا محمد خلف عبدالحسین بیگ - ناظر: کربلایی علی اکبر بیگ.
۱۳۲۷ ق.	-----	شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۳۹۹؛ وقف املاک از طرف میرزا حسن زواری و شکایت متولیان از دخالت در امور موقوفه مذکور؛
۱۳۲۸ ق.	وقف برحرم مطهر حضرت علی علیه السلام	شناسه سند: ۲۵۰/۵۳۳۹؛ رونوشت اجاره نامه موقوفه سرای گلشن واقع در اصفهان
۱۳۲۹ ق.	-----	شناسه سند: ۲۵۰/۳۰۸۳؛ سواد وقف نامه موقوفه مزار فائض الانوار پروند، نامه تظلم خواهی آقامیرزا عبدالله در خصوص امورات وقف مدرسه شریعتمدار و حقوق و شهریه طلاب، نامه متولی مدرسه شریعتمدار به نظام العلماء رئیس اوقاف سبزوار؛



سال	موضوع وقف	سایر
۱۳۳۹ ق.	---	شناسه سند: ۲۵۰/۴۹۷۴؛ اجرای قوانین اداره معارف و اوقاف مصوبه مجلس شورای ملی، درخواست ارسال پرونده‌های مربوط به موقوفات سلطنتی و آستان قدس رضوی به اداره اوقاف
۱۳۳۰ ق.	جهت مصارف خیریه در ماه رمضان و کمک هزینه تحصیلی به ذریه میرعلی محمد	شناسه سند: ۹۹۹/۲۷۵۸۶؛ کپی وقفنامه یک قطعه ملک واقع در روستای دیزج زنجان از طرف میرقاسم خلف میرعلی محمد (واقف)
۱۳۳۰ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۷/۲۰۵۴۲؛ رونوشت وقفنامه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم درمورد وقف مزرعه، آب و قنات و تولیت بقعه متبرکه؛
۱۳۳۰ ق.	مصرف بین فقرا	شناسه سند: ۲۴۰/۵۲۱۰۴؛ تقسیم منافع قریه فیروزآباد موقوفه سلیمان خان قاجار؛
۱۳۳۱ ق.	---	شناسه سند: ۹۹۷/۳۱؛ وقفنامه‌ای در خصوص وقف کلیه دکانین بازارچه موسوم به رکن آباد، ششدانگ چند قریه واقع در بلوک لنجان، چند باب کاروانسرا، حمام، یخچال، طاحونه، قهوه‌خانه و غیره توسط میرزا سلیمان خان رکن الملک با تعیین متولی؛.
۱۳۳۳ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۳/۱۹۰۰؛ لزوم پرداخت عواید قریه وقفی پس از کسر مالیات؛
۱۳۳۷ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۷/۲۱۳۸۶؛ صورت موقوفات نیشابور شامل محل، واقف، متولی معرف، عایدات و تاریخ وقف؛
۱۳۳۸ ق.	صرف فقرا و ضعفا از شیعیان و مجلس عزاداری ابا عبدالله الحسین.	شناسه سند: ۲۹۶/۲۰۸۲۵؛ وقفنامه‌ای راجع به وقف املاک و رقباتی واقع در بهاباد یزد همراه با مهر و گواهی شهود؛
۱۳۳۸ ق.	---	شناسه سند: ۲۹۶/۲۰۸۲۵؛ نامه‌ای به یک روحانی در مورد وقف املاک یکی از درگذشتگان؛
۱۳۴۱ ق.	---	شناسه سند: ۲۵۰/۱۴۱؛ درخواست از اقبال السلطنه برای روشن کردن کیفیت وقف، عایدات و مصارف آن در ماکو؛

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۸). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، چ ۱۵.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۸). موقوفات تهران و تحول شهر ۱۲۶۹-۱۳۲۰ ه. ق.، وقف میراث جاویدان، زمستان ۱۳۷۸، ش ۲۸، صص ۷-۱۶.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۷). اینجا طهران است، تهران، نشر تاریخ.
- احمدی ملکی، رحمان (۱۳۷۷). سقاخانه‌های قدیمی تهران، فصلنامه میراث جاویدان، سال ششم، ش ۲۴ و ۲۳.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۷۹). نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، وقف میراث جاویدان، ش ۲، سال هشتم.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۵). تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران از دوران ماقبل تاریخی تا پایان ساسانیان. تهران: نشر اندیشه، ج ۱.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه. ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات، چ اول.
- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۷۷). تاریخ اجتماعی و فرهنگی شهر تهران، تهران. مرکز پژوهش‌های فرهنگی، چ اول، ج ۲.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۸۷). حیات یحیی. تهران: فردوس، ج ۱، چ ۱.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه، ج ۴.
- رضایی، امید (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- رنجبر، محمدعلی (۱۳۷۷). متولیان مدرسه منصوریه شیراز، گنجینه اسناد، ش ۳۱، صص ۸۴-۹۴.
- یاحی سامانی، نادر (۱۳۷۸). وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات، شیراز: انتشارات نوید.
- زاهدی، شمس‌السادات؛ تنکابنی، حمید (۱۳۸۸). درآمدی بر ریشه‌شناسی نهاد دیوان‌سالاری ایران در دوره اول قاجار، مجله فرهنگ، پاییز، شماره ۷۱، صص ۱۳۰-۱۳۱.
- شاه حسینی، پروانه (۱۳۷۷). ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی، تحقیقات جغرافیایی: بهار، ش ۴۸، صص ۱۱۲-۱۱۴.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۵). وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجاریه و پهلوی، تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، ش ۴۲، صص ۱۲۲-۱۲۷.
- فوران، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- کردستانی، سوران. (۱۳۸۱). ملاحظات اجتماعی و انسانی در متن وقف‌نامه‌های کردستان ایران،



- مجله وقف میراث جاویدان، پاییز و زمستان، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۷۷-۹۰.
- لمبتون، آن ک. س. (۱۳۸۸). وقف در ایران، ترجمه احمد نمایی، علوم قرآن و حدیث: مشکوه: بهار، ش ۱۰۲.
- مطبعه‌چی، مصطفی، (۱۳۸۹). جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه.
- ورهرام، غلامرضا. (۱۳۶۷). نظام سیاسی و اجتماعی عصر قاجار، تهران: معین.

چ: فهرست اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی؛ شناسه سند: ۲۹۶/۱۹۴۱۰؛ ۱-۲۱۳۹۳-۲۹۷؛ ۲۴۰/۱۳۹۳۹؛
 ۲۵۰/۱۴۱؛ ۲۹۶/۱۶۴۷۶؛ ۲۹۶/۱۸۶۳۶؛ ۲۹۶/۱۹۰۲۴؛ ۲۹۶/۱۹۳۶۱؛ ۲۹۳/۱۹۵۴؛
 ۲۹۶/۱۹۶۳۲؛ ۲۹۶/۱۹۷۳۰؛ ۲۹۳-۱۹۷۳۴؛ ۲۹۶/۲۰۰۴۶؛ ۲۹۶/۲۰۰۶۴؛ ۲۹۶/۲۰۱۹۱؛
 ۲۹۷/۲۰۵۴۲؛ ۲۹۶/۲۰۸۲۵؛ ۲۹۷-۲۰۸۶۵؛ ۲۹۷/۲۱۳۸۶؛ ۲۹۷-۲۱۳۹۳؛ ۲۹۷-۲۱۳۹۳؛
 ۲۹۷-۲۱۶۷۰؛ ۲۹۷-۲۱۷۱۱؛ ۲۹۷-۲۱۷۱۴؛ ۲۹۷/۲۲۱۴۶؛ ۲۹۷/۲۲۱۸۵؛
 ۲۹۶/۲۲۶۶۶؛ ۲۹۷/۲۳۶۶۱؛ ۲۹۶/۲۳۹۲۴؛ ۲۹۶/۲۴۰۶۷؛ ۲۹۸-۲۴؛ ۲۹۶/۲۶۱۵۲؛
 ۲۹۶/۲۶۶۲۸؛ ۲۹۶/۲۶۶۲۹؛ ۲۹۹/۲۷۱۷۹؛ ۲۹۹/۲۷۲۹۲؛ ۲۹۹/۲۷۴۳۵؛ ۲۹۹/۲۷۵۸۶؛
 ۲۹۹-۲۷۶۲۷؛ ۲۹۹-۲۷۶۲۷؛ ۲۹۹/۲۹۶؛ ۱۱۸۴۱/۲۹۶؛ ۱۶۸۵۳/۲۹۶؛ ۲۹۶/۱۶۹۵۲؛ ۲۹۷/۳۰۳۹۹؛
 ۲۵۰/۳۰۸۳؛ ۲۵۰/۳۱؛ ۲۹۷/۳۵۲؛ ۲۹۷/۳۸؛ ۲۵۰/۴۱۸؛ ۳۶۰/۴۴۱۴؛ ۲۹۷/۴۷۳؛ ۲۹۸/۵۳؛
 ۲۵۰/۵۳۳۹؛ ۲۵۰-۵۴۱؛ ۶-۵۴۱-۲۵۰؛ ۲۹۰/۸۶۳؛ ۲۹۶/۹۲۳۹.



